

سرشناسه: صافی مجتبیٰ ۱۳۳۲ - شارح
عنوان قراردادای: تحریر شرح اللمعه. برگزیده. شرح
عنوان و نام پدیدآور: التوضیح (توضیح و ترجمه تحریر شرح اللمعه)
کتاب حج و عمره یا استفاده از تعلیقات سید محمد کلانتر... مجتبیٰ صافی
مشخصات نشر: قم: مجتبیٰ صافی، ۱۳۹۳
مشخصات ظاهری: ۲۷۰ص. مصور، نمودار، نقشه
شابک: 978-600-04-1199-2

وضعیت فهرست نویسی: فیبا.

یادداشت: اثر حاضر شرح و ترجمه تحریر شرح اللمعه تألیف محمد رضا طباطبائی و کمال الدین خدای است
موضوع: خدای، کمال الدین. تحریر شرح اللمعه - نقد و تفسیر.

موضوع: شهید اول، محمد بن مکی، ۷۳۴-۷۸۴ ق. اللمعه دمشقیه - نقد و تفسیر.

موضوع: فقه جعفری - قرن ۸ ق.

موضوع: حج
موضوع: حج و عمره.

شناسه افزوده: خدای، کمال الدین. تحریر شرح اللمعه. برگزیده شرح

شناسه افزوده: طباطبائی، محمد رضا. تحریر شرح اللمعه. برگزیده. شرح

شناسه افزوده: شهید اول، محمد بن مکی، ۷۳۴-۷۸۶ ق. اللمعه دمشقیه. برگزیده. شرح

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ ۳۰۲۳۶ ت ۴ خ ۱۸۲/۶ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۳۴۲

شماره کتابشناسی ملی: ۳۵۴۲۳۲۶

التوضیح

ترجمہ و توضیح

تحریر شرح اللعنه

کتاب الحج والعمرة

تحریر: سید محمد رضا طباطبائی۔ کمال الدین خدای

ترجمہ و شرح: محبتی صافی

التوضیح

مولف : سید محمد رضا طباطبائی ، کمال الدین خدای

مترجم : مجتبی صافی

ناشر : مجتبی صافی

نوبت چاپ : اول - ۱۳۹۴

لیتوگرافی و امور فنی: پردیس

چاپخانه : گل وردی

شمارگان : ۱۰۰۰

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۱۱۹۹-۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب الحجّ

مقدمه:

حجّ در لغت، هم به کسر حاء (حِجّ) و هم به فتح حاء (حَجّ) آمده است و بمعنی مطلق قصد است (قصد هر چیزی را داشتن) و در اصطلاح شرع مقدس اسلام، تشرف به مکه معظمه و زیارت خانه خدا در زمان معین و انجام اعمال مخصوص با ترتیب و شرائط مخصوص می باشد.

خداوند در آیه ۹۶ سوره مبارکه آل عمران حج را برای کسانی که استطاعت انجام آن را دارند واجب نموده است: «و لله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا» «برای خداست بر مردم که آهنگ خانه خدا کنند، آن ها که توانایی رفتن به سوی آن را دارند» شهید (ره) مسائل حج را در ضمن چند فصل بیان نموده است:

کتاب الحجّ و العمرة

و فيه فصول:

الفصل الأول في أسبابهما و شرایطهما

الفصل الثانی: فی انواع الحجّ و العمرة

الفصل الثالث: فی المواقیت

الفصل الرابع: فی افعال العمرة

الفصل الخامس: فی افعال الحجّ

الفصل السادس: فی الاحصار و الصدّ

الفصل الاول؛ فى اسبابهما و شرائطهما

يجب الحج مرة واحدة باصل الشرع على المستطيع من الرجال و النساء و الخنثى على الفور بإجماع الفرقة المحقة و تاخيره كبيرة موبقة. و قد يجب بالنذر و شبهه، من العهد واليمين؛ و الاستيجار و الإفساد.

و المراد بالفورية وجوب المبادرة إليه فى أول عام الاستطاعة مع الإمكان، و إلا ففيما يليه، و هكذا. و لو توقّف على مقدمات من سفر و غيره و جب الفور بها على وجه يدرکه كذلك.

و يستحب تكراره لمن أداه واجباً، و لفاقد الشرائط متكلفاً، و لا يجزئ ما فعله مع فقد الشرائط عن حجة الاسلام بعد حصولها، كالفقير يحج ثم يستطيع، فيجب الحج ثانياً.

و كذا تجب العمرة باصل الشرع مرة على المستطيع بشرط الحج و إن استطاع إليها خاصة، إلا أن تكون عمرة تمتع، فيشترط في وجوبها الاستطاعة لهما معاً، لارتباط كل منهما بالآخر. و تجب أيضاً بالنذر و شبهه و الاستيجار و الإفساد، و لفوات الحج بعد الإحرام ولدخول مكة. و تستحب فى غير ذلك على تفصيل يأتي فى محله .

و شرط صحة [كل من] الحج [أو العمرة واجباً كان أو مندوباً] الإسلام و ما فى حكمه من التبعية، فلا يصح من الكافر و إن وجب عليه.

و شرط صحة النّدب من العبد إذن المولى؛ و من المرأة إذن الزوج. أما الواجب عليها فلا.

و ظاهر إطلاق الماتن رحمه الله أنّ الولد لا يتوقّف حجه مندوباً على إذن الأب أو الأبوين، و هو قول الشيخ رحمه الله و مال إليه المصنف رحمه الله فى الدروس، و هو حسن إن لم يستلزم السفر المشتمل على الخطر، و إلا فاشترط إذنهما أحسن. و شرط المباشرة التمييز، فالصبي المميز يباشر أفعال الحج بإذن الولى. و يحرم الولى عن غير المميز إن أراد الحج به ندباً، طفلاً كان أو مجنوناً، محرماً كان الولى أم محلاً، لأنه يجعلهما محرّمين بفعله لا نائباً عنهما؛ فيقول: « اللهم إني أحرمت

بهذا... « إلى آخر النية، و يكون المولى عليه في ذاك الحين حاضراً مواجهاً للولى، و يأمره الولى بالتلبية إن أحسنها، و إلا لى عنه، و يلبسه ثوبى الإحرام، و تجنبه تروكه. و إذا طاف به أوقع به صورة الوضوء، و حمله و لو على المشى، أو ساق به، أو قاد به، أو استناب فيه. و يصلى عنه ركعتيه إن نقص سنه عن ست، و لو أمره بصورة الصلاة فحسن. و كذا القول فى ساير الافعال. فإذا فعل به ذلك فله أجر حجه.

فصل اول

اسباب و شرایط و وجوب حج و عمره

فصل اول، در بیان اسباب حج و عمره (یعنی اموری که حج را بر انسان واجب می کند) و شرایط حج و عمره است.

توضیح: مقصود از مستطیع کسی (مرد یا زن یا ختنی) است که از نظر مالی و جسمی و توانایی انجام حج را داشته باشد.

مقصود از وجوب فوری این است: کسی که به استطاعت رسید، باید در همان سال اول به حج برود و اگر در آن سال ممکن نشد، در سال بعد به حج برود و همین طور در سال های بعد. اگر حج فرد متوقف بر مقدماتی مانند گرفتن ویزا و... باشد، باید فوراً اقدام نماید و در آن سال به حج برود.

ترجمه: حج، بر اساس قانون اسلام بر انسان مستطیع (مرد باشد یا زن یا ختنی) به اجماع شیعه، یک مرتبه در طول عمر، واجب فوری است و به تأخیر انداختن آن گناه کبیره است و گاهی به واسطه ی اموری مانند نذر و یا عهد با خدا و قسم و اجیر شدن و فاسد نمودن حج، واجب می شود.

مقصود از فوری بودن این است که در اولین سال استطاعت حج را انجام دهد و اگر نتواند در سال بعد به حج برود و همین طور... و اگر انجام حج متوقف بر مقدماتی مانند

مسافرت و غیر آن است؛ واجب است به آن‌ها بپردازد، به گونه‌ای که حج را در اولین سال استطاعت انجام نماید.

وَيَسْتَحِبُّ تَكَرَّرَهُ:

توضیح: حج برای دو گروه مستحب است:

۱- کسی که حج واجب خود را انجام داده است.

۲- کسی که مستطیع نیست، یعنی کسی که از نظر مالی و جسمی، توانایی انجام حج را ندارد، مانند کسی که فقیر است.

اگر فقیر، با مشقت (با گدائی) به حج برود و بعداً مستطیع شود، حج او حجه الاسلام به حساب نمی‌آید و باید دوباره حج را بجا آورد و آن حجی که بجا آورده است مستحبی بوده و از حج واجب کفایت نمی‌کند.

ترجمه: تکرار نمودن حج برای کسی که حج واجب را انجام داده، مستحب است و انجام حج برای کسی که مستطیع نیست و خود را به زحمت انداخته نیز مستحب است و چنین حجی که فرد بدون وجود شرایط انجام داده است، کفایت از حجه الاسلام نمی‌کند. مانند فقری که حج انجام می‌دهد سپس مستطیع می‌شود که در این صورت باید دوباره حج انجام دهد.

و كَذَا تَجِبُ الْعُمْرَةُ:

توضیح: براساس قانون اسلام عمره (تمتع و عمره مفرده)، بر کسی که استطاعت دارد، واجب است. یعنی کسی که استطاعت جسمی و مالی و ... دارد (همان گونه که در حج بیان شد).

مقصود از شرایط حج، همان شرایطی است که در وجوب حج بیان خواهد شد، از قبیل عقل و بلوغ و حریت و ... که در عمره هم باید باشد. البته اگر تنها استطاعت انجام عمره را دارد، تنها عمره واجب است.

۱. عُمره در لغت عُمره نامیده شده است به خاطر اینکه عمره زیارت خانه خدا است گفته می‌شود إِعْمَرُ فَهُوَ مُعْتَمِرٌ یعنی زیارت نمود و قصد کرد (مجمع البحرین)

اما اگر کسی بر عمره تمتع استطاعت پیدا کرد، باید برای حج تمتع هم استطاعت داشته باشد.

یعنی متمتع هم باید بر اعمال حج استطاعت داشته باشد، هم برای عمره. چون در تمتع، حج و عمره با هم مرتبطند. توضیح کامل این بحث با شناخت اقسام و انواع حج و شرائط و وجوب هر یک در آینده خواهد آمد.

- | | | |
|--|---|----------------------------|
| <p>۱- بر اساس شرع مقدس اسلام در صورت استطاعت
 ۲- نذر کردن و شبه نذر مانند عهد بستن و سوگند خوردن
 ۳- اجیر شدن برای عمره
 ۴- باطل نمودن عمره
 ۵- اگر بعد از احرام برای حج؛ حج فوت شود و نتواند به عرفات و مشعر برسد؛ باید عمره انجام دهد.
 ۶- ورود به مکه</p> | } | <p>اسباب وجوب
عمره</p> |
|--|---|----------------------------|

ترجمه؛ عمره یک مرتبه بر اساس قانون اسلام بر انسان مستطیع با وجود شرائط حج واجب است گر چه فقط به انجام عمره استطاعت داشته باشد؛ مگر اینکه عمره تمتع باشد، که در وجوب عمره تمتع شرط است که برای عمره و حج استطاعت داشته باشد. چون صحت هر یک از آن دو، به انجام دیگری وابسته است.

عمره، با نذر و مانند آن و اجیر شدن برای عمره و فاسد نمودن آن و فوت شدن حج بعد از احرام و برای ورود به مکه نیز واجب می شود. و در غیر موارد بیان شده عمره مستحب است که تفصیلش در جای خود خواهد آمد.

و شرط صحّة كل من الحج و العمرة:

توضیح: یکی از شرائط صحت حج و عمره اسلام است یعنی حج گزار و عمره گزار باید مسلمان باشد یا در حکم مسلمان باشد. مانند بچه و دیوانه که حکم مسلمان را دارند و مسلمان به حساب می آیند (گرچه معترف به احکام اسلام نباشند). چون مکلف به احکام اسلام نیستند ولی احکام اسلام بر آنها جاری است.

در نتیجه حج و عمره از کافر صحیح نیست؛ گرچه بر او واجب است. چون واجبات دین بر کافر هم واجب است و کافر مکلف به فروع می باشد. پس اگر کافر مستطیع باشد، حج بر او واجب است. گرچه حج او صحیح نیست و مانع صحت حج کافر، کفر اوست که باید بر طرف کند؛ همچنین حج و عمره مستحبی عبد، به شرطی صحیح است که مولایش به او اجازه دهد.

اگر زنی بخواهد حج و عمره ی مستحب انجام دهد، شرطش اجازه شوهر است و بدون اجازه شوهر، حج و عمره ی مستحبی زن باطل است. البته در حج و عمره ی واجب؛ اجازه شوهر لازم نیست.

شهید ثانی می فرماید: از اینکه شهید اول، اجازه مولی را برای عبد و اجازه شوهر را برای زن بیان کرد، ولی در مورد اجازه پدر برای صحیح بودن حج فرزند (ولد) مطلبی نفرموده، استفاده می شود که صحت حج مستحبی فرزند، متوقف بر اجازه ی پدر یا اجازه ی پدر و مادر نیست. ولی نظر ما (شهید ثانی) تفصیل است یعنی اگر مسافرت فرزند با خطر مواجه نیست، نیازی به اجازه پدر نیست. اما اگر در سفر احتمال خطر هست، بهتر است که اجازه پدر و مادر شرط باشد.

ترجمه: شرط صحیح بودن هر یک از حج و عمره، چه واجب باشد و چه مستحب؛ اسلام یا تبعیت از اسلام است (یعنی حج گزار و عمره گزار باید مسلمان یا در حکم مسلمان باشد). پس حج و عمره کافر صحیح نیست؛ گرچه بر او واجب باشد. و شرط صحت حج و عمره مستحبی عبد، اجازه مولاست و شرط صحت حج و عمره مستحبی زن؛ اجازه شوهر است. اما در حج و عمره ای که بر زن واجب است، نیاز به اجازه شوهر نیست. ظاهر اطلاق کلام شهید اول این است که حج و عمره مستحبی فرزند، متوقف بر اجازه پدر و یا پدر و مادر نیست. و این نظر مرحوم شیخ طوسی (ره) است و شهید اول در کتاب "الدروس" به همین قول تمایل پیدا کرده است و این نظر قوی است، اگر مسافرت فرزند همراه با خطر نباشد. و گرنه شرط نمودن اجازه پدر و مادر بهتر است.

و شرط المباشرة التمييز:

توضیح: شرط مباشرت (یعنی اینکه خود شخص، حج انجام دهد) تمییز است. مقصود از تمییز این است که حج گزار، ارکان و اجزای حج را از شرائط حج تشخیص دهد. بنابراین کودک ممیز می تواند، افعال حج را به اجازه ولی خود انجام دهد و چنین حجی صحیح و مستحب است.

ترجمه: شرط مباشرت در حج تمییز است. پس کودک ممیز، کارهای حج را با اجازه ولی خود انجام می دهد. اگر ولی بخواهد غیر ممیز را (کودک باشد یا دیوانه) حج مستحبی بدهد، از طرف غیر ممیز نیت احرام می کند چه ولی محرم باشد، چه مُجَلِّ. ولی غیر ممیز، با کار خود؛ بچه یا دیوانه را محرم قرار می دهد نه اینکه از طرف آن دو، نایب شود.

"فیقول" عطف است به عبارت یُحرم الولی یعنی ولی از طرف غیر ممیز احرام ببندد و چنین نیت کند: «اللَّهُمَّ اِنِّی اِحْرَمْتُ بِهَذَا ... یعنی خدایا، من احرام می بندم به این بچه یا دیوانه تا آخر نیت.» و طفل یا دیوانه در این حالت باید روبروی ولی باشد. اگر بچه بتواند تلبیه را بگوید ولی او باید، بچه یا دیوانه را به گفتن تلبیه امر کند. یعنی بگوید بگو: «لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ لَبَّيْكَ اِنَّ الْحَمْدَ وَالنَّعْمَةَ وَالْمُلْكَ لَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ». ولی اگر نمی تواند، خود ولی بجای بچه یا دیوانه تلبیه را بگوید و دو جامه احرام را به بچه یا دیوانه بپوشاند و او را از چیزهایی که ترک آنها در احرام لازم است دور کند. وقتی ولی خواست بچه را طواف دهد، کودک را وضو دهد (صورت وضو) و او را طواف دهد، گرچه او را به راه رفتن وادار کند یا اینکه عقب کودک را بگیرد و او را براند یا اینکه بچه را بکشد (دست بچه را بگیرد و طوافش دهد) یا اینکه برای بچه در طواف نایب بگیرد. و اگر سن کودک کمتر از شش سال باشد؛ ولی بجای کودک، دو رکعت نماز طواف بخواند. و اگر کودک را امر کند به اینکه صورت نماز را بجای آورد نیکوست. سخن در سایر افعال حج نیز چنین است (یعنی هر عملی را مانند سعی بین صفا و مروه و غیر آن؛ اگر کودک خودش بتواند انجام دهد، او را امر کند که خودش

انجام دهد و گرنه ولیّ از جانب او بجای آورد. وقتی ولیّ، کودک را وادار کند آن اعمال را انجام دهد؛ ثواب یک حج برای ولیّ است.

www.ketab.ir

فهرست

۵	مقدمه
۷	فصل اول: اسباب وجوب حج و عمره
۱۴	۱ و ۲- بلوغ و عقل
۱۴	۳- آزادی
۱۴	۴ و ۵- توشه و مرکب سواری
۲۶	۶- وجود نفقه خانواده تا هنگام بازگشت
۳۰	۷- تمکن از مسیر
۳۷	چند مساله
۵۸	حج نذری
۶۷	حج نیابتی
۷۷	احکام نیابت
۹۲	وصیت به حج
۱۰۳	فصل دوم: انواع حج و عمره
۱۰۷	احکام انواع حج و عمره
۱۱۵	چند مساله
۱۴۲	فصل سوم: میقات ها
۱۴۷	احکام میقات
۱۵۸	فصل چهارم: اعمال عمره
۱۶۱	واجبات حرام
۱۶۶	مستحبات احرام
۱۶۹	مکروهات احرام
۱۷۴	محرمات احرام و كفاره های آن ها
۲۲۴	احکام كفاره
۲۲۸	مستحبات ورود به مکه
۲۲۸	شرایط طواف

۲۳۴ واجبات طواف
۲۴۵ مستحبات طواف
۲۴۹ چند مساله
۲۵۶ سعی
۲۵۷ واجبات سعی
۲۶۴ تقصیر
۲۶۷ طواف نساء
۲۷۰ فصل پنجم: اعمال حج
۲۷۳ وقوف در عرفات
۲۷۹ وقوف در مشعر
۲۸۶ مناسک منی
۲۸۸ رمی جمره عقبه
۲۹۴ مستحبات رمی
۳۰۲ قربانی
۳۰۷ مستحبات قربانی
۳۰۸ محل الذبح منی
۳۱۵ قربانی قران
۳۱۶ اضحیه
۳۲۱ حلق و تقصیر
۳۲۵ مراحل حلال شدن محرّمات احرام
۳۲۹ اعمال مکه
۳۳۴ بازگشت به منی
۳۴۳ کوچ از منی
۳۴۸ مستحبات مکه
۳۵۵ فصل ششم: احصار و صد
۳۶۴ نکته پایانی